

10 OCAK 1994

6703: Gāmi, Nūr-ad-Dīn 'Abd-ar-Rahmān: Bahāristān: matn-i 'ilmī-i intiqādī az rūy-i panj nusha az qadimtarin nusah-i maugūda / 'Abd-ar-Rahmān Gāmi. [Hrsg.: A'lāhān Afshāh-zād. - Muskau: Dāniš, 1987. -177, 21 S. -

Übers. d. pers. Hauptsacht.: Frühlingsgarten. - Paralelsacht.: Bacharistan. (Vesennij sad.). - Pers. in pers. Schr. 27 A 18269

MAKASAT TITIKI ANLAKTAR
KİTAP BİLİM ÖZGÜRLEŞTİRİLMİŞ

MAKASAT TITIKI ANLAKTAR
KİTAP BİLİM ÖZGÜRLEŞTİRİLMİŞ

Bahāristān
Ayatī, Ziyā al-Dīn Muḥammad Husayn.
Bahāristān dar tārikh va tarājim-i riḡāl-i Qa'īnāt va Quhistān / ta'rif-i Muḥammad Husayn Ayatī. - Teheran: Shirkat-i Sihāmī-i Chāp, 1327 [1948].
393 p.
Persian
I. Title.

nef 9-27824

InU

11 OCAK 1994

Bahāristān

MAKASAT TITIKI ANLAKTAR
KİTAP BİLİM ÖZGÜRLEŞTİRİLMİŞ

31 OCAK 1994

Braune

L. Hist. Persia

III 515

891.59

BAHARISTAN FEB 20115

TA.V.57
BL.II.1210
ML.II.67

22 OCAK 1994

BAHARISTAN

86-968738

Jāmi, 1414-1492.
[Beharistan. Arabic]
(Rabi')

الربيع = "بهارستان" / لعبد الرحمن الجامي الفارسي؛ ترجمة و تعليق أحمد كمال الدين حلمي. - [Kuwait] - جامعة الكويت، 1986.

327 p. ; 24 cm.
Bibliography: p. 317-326.
3.OOKD
A.P.-Lang.

745.6199155

BA. (Baharistan)

12 OCAK

بهارستان: مجموعة مرقعات كتابخانه ملی و مرکز اسناد دانشگاه تهران خطوط مختلفه نستعلیق، ثلث، ۰۰ / بکوش جواد یساوی - (تهران): انتشارات یساوی فرهنگرا، ۱۳۶۱، 126 p.: ill.; 34 cm.

1. Iranian Calligraphy I. Yasawali, Djawad 8362 (prep.) II. Title (Arabic)

379. YASAVOLI SANI, J. Bahārestān, Majmu'e-ye moraqqā'āt-e Ketābxāne-ye Mellī va Markaz-e Asnād-e Dānešgāh-e Tehrān [Bahārestān] ou l'album des feuilles volantes calligraphiées ou dessinées réunies et conservées à la Bibliothèque Nationale de Téhéran et au Centre de Documentation de l'Université de Téhéran, pub. Enteshārāt-e Yasāvoli (Farhangsarā), Téhéran 1361/1982, 126 p., plus de 350 ills. nb et 1 coul. sur couv., 33 x 24 cm.

The titre est imposant mais la présentation et les explications sont fort décevantes comme dans d'autres ouvrages réalisés par les Éditions Yasāvoli (cf. supra, sous Hedāyat-Allāh Lesān al-Molk). Alors que le fait d'avoir mis ces documents à la disposition des amateurs d'art est louable en soi, on ne perçoit pas pourquoi JMS est si avare d'explications dont l'exposé ne représenterait souvent aucun effort particulier. Dans le cas présent, il semble certain que toutes les illustrations figurant entre p. 5 et 64 représentent des calligraphies ou des dessins conservés à la Ketābxāne-ye Mellī et que les autres, contenues dans les p. 65 à 124, sont dans les archives du Markaz-e Asnād. Il n'est pas évident que JMS ait publié tous les moraqqā' disponibles dans les deux institutions mentionnées mais qu'il ait plutôt placé dans son ouvrage quelques folios d'un certain nombre d'albums. En principes, toutes les illustrations figurant entre deux brèves descriptions de moraqqā' se rapportent à la première description fournie par JMS. La qualité technique des illustrations reproduites est médiocre. Même dans son présent état, cet ouvrage est utile à ceux qui s'intéressent à la calligraphie, mais il est clair que ces documents doivent faire l'objet d'une nouvelle publication. C. A.

الربيع = "بهارستان" / لعبد الرحمن الجامي الفارسي؛ ترجمة و تعليق احمد كمال الدين حلمي. - [الكويت]: جامعة الكويت، 1986.

327 ص: 24 سم -
ببليوجرافية: ص 317 - 326 - 3
د ك

BAHARISTAN

07 OCAK 1994

Baharistan (Camirius)

MAKASAT TITIKI ANLAKTAR
KİTAP BİLİM ÖZGÜRLEŞTİRİLMİŞ

31 OCAK 1994

Braune

L. Hist. Persia

III 436

891.59

BAHARISTAN

89-933398

Micro- Jāmi, 1414-1492.
fiche
89/
86419
Kitāb-i Bahāristān / li-Mawlānā Jāmi. - Tihārān: Kitāb-furūshī-i Markazī, 1340 [1961].
116 p. ; 23 cm.
In Persian; romanized record.
Cover title: Bahāristān-i Jāmi.
(Sufi verses and didactic stories)

1 AUGUSTUS 1984

BAHARISTAN
HAT
- 11/11/1984

کلیسای بزرگی در آنجا بود که به هنگام تعقیب مسیحیان در زمان شاپور دوم، ویران شد، ولی پس از مرگ این شاه ساسانی آن را دوباره ساختند (همانجا). در عصر پادشاهی خسرو پرویز دو کلیسای دیگر به نامهای مریم مقدس و سرگیوس مقدس در آنجا بنا گردید (سامی، ۱۷۲/۲).

طبری به اردشیر را «المدينة الدنيا» (شهر نزدیک) خوانده است (۸/۴)، زیرا در حمله عربها به ایران، به اردشیر نزدیکترین و نخستین شهر از شهرهای مداین بود که به دست آنها افتاد (محمدی، همانجا). محاصره این شهر توسط عربها پس از نبرد قادسیه رخ داد و به سبب مقاومت مردم، چندین ماه به درازا کشید (بلاذری، ۲۶۲؛ قس: طبری، ۷-۵/۴) و سرانجام در ۱۶ ق/۳۷۷ م گشوده شد (همانجا). پس از سقوط به اردشیر، یزدگرد پایتخت را رها کرد و عقب نشست (بلاذری، همانجا). از وضع به اردشیر در دوره اسلامی - که نامش به صورت «بهرسیر» تحریف شد - آگاهی اندکی در دست است. از فرمانروایان بهرسیر، نام عدی بن حارث شناخته شده است که او را علی (ع) بر این شهر و حوزه آن گماشت (دینوری، ۱۵۳).

این خرداده در سده ۳ ق ناحیه بهرسیر را شامل ۱۰ روستا دانسته (ص ۹)، و قدامه در سده ۴ ق مالیات این ناحیه را ۱۷۰۰ گز (کر معادل ۱۲۰۰ رطل عراقی) گندم، ۱۷۰۰ کر جو، و ۱۵۰ هزار درهم نقد نوشته است (ص ۱۶۳). چنین پیداست که به اردشیر در دوره اسلامی نیز به همراه ۴ شهر دیگر از شهرهای هفت گانه مداین مدتهای دراز همچنان پا برجای بوده است (یعقوبی، همانجا؛ نیز نک: لسترنج، ۳۴) و در سده های ۸ و ۹ ق/۱۴ و ۱۵ م شهروندان آن از آیین تشیع پیروی می کرده اند (ایرانیکا، IV/94).

مأخذ: ابن اثیر، الکامل؛ ابن خردادبه، عبدالله، المسالك والممالك، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۸۹ م؛ ابن خلدون، العبر؛ بارتولد، و، جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، تهران، ۱۳۵۸ ش؛ بلاذری، احمد، فتوح البلدان، به کوشش رضوان محمد رضوان، بیروت، ۱۳۹۸ ق/۱۹۷۸ م؛ دیاکوف، م. م.، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران، ۱۳۲۶ ش؛ دینوری، احمد، الاخبار الطوال، به کوشش عبدالمنعم عامر و جمال الدین شیال، قاهره، ۱۹۶۰ م؛ سامی، علی، تمدن ساسانی، شیراز، ۱۳۲۴ ش؛ طبری، تاریخ و فرهنگ، بهرام، فرهنگ فارسی به پهلوی، تهران، ۱۳۵۲ ش؛ قدامه بن جعفر، الخراج، به کوشش محمدحسین زبیدی، بغداد، ۱۹۷۹ م؛ محمدی ملایری، محمد، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ش؛ تولدک، تودور، تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب، تهران، ۱۳۵۸ ش؛ یاقوت، بلدان، یعقوبی، احمد، «البلدان»، همراه الاعلاق النفیة این رسته، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۹۱ م؛ نیز:

Brunner, Ch., «Geographical and Administrative Divisions: Settlements and Economy», *The Cambridge History of Iran*, vol. III(2), ed. E. Yarshater, London, 1983; Christensen, A., *L'Iran sous les Sassanides*, Copenhagen, 1936; EI²; Iranica; Le Strange, G., *The Lands of the Eastern Caliphate*, London, 1966; Lukonin, V. G., *Kultura sasanidskogo Irana*, Moscow, 1969; Mochiri, M. I., *Étude de numismatique Iranienne sous les Sassanides et Arabe - Sassanides*, Tehran, 1977.

محسن احمدی

بهارستان، از آثار عبدالرحمان جامی (۸۱۷ - ۸۹۸ ق/۱۴۱۴ - ۱۴۹۳ م)، و آمیخته به نظم و نثر و فراهم آمده در ۸۹۲ ق. جامی این کتاب

بعضی از پژوهندگان درباره بنای به اردشیر، بر این باورند که اردشیر شهر جدیدی در این جا ساخت، بلکه شهر سلوکیه کهن را که به دست اویدیوس کاسیوس سردار رومی در ۱۶۵ م ویران شده بود، بازسازی کرد و یا بر ویرانه های آن، شهر تازه به اردشیر را ساخت (همو، ۶۵-۶۶؛ کریستن سن، ۹۰؛ بارتولد، ۲۱۰؛ برانر، ۷۵۸؛ دیاکوف، ۴۱۶).

به اردشیر در میان مجموعه شهرهایی (مداین) که پایتخت ساسانیان را تشکیل می دادند، یکی از مهم ترین آنها بود (کریستن سن، ۳۷۹؛ تولدک، همانجا)، چنان که طبری این شهر را «جایگاه شاهان» (محله الملوك) نامیده است (۸۶/۲) و نیز در سنگ نوشته شاپور اول و به اردشیر (و به اردشیر) در زمرة «شهرهای شاهی» آمده، و نام شهر (شهریان) آن نیز یاد شده است (لوکونین، همانجا). نام به اردشیر در متون مانوی نیز آمده، و گفته شده که مانی (۲۱۵ یا ۲۱۶-۲۷۶ م) در این شهر اقامت داشته است (ایرانیکا، همانجا). خسرو پرویز در واپسین سال سلطنت (۶۲۸ م) با شیرین همسر عیسوی خود به شهر به اردشیر آمد (کریستن سن، ۴۸۷) و در همین جا بود که پسرش شیرویه (قباد دوم) بر وی شورید و او را دستگیر و زندانی کرد (طبری، ۲۱۶-۲۱۷؛ ابن خلدون، ۳۶۸/۲). در این شهر کارگاه ضرب سکه ای دایر بوده است (برانر، همانجا) که از دوره پادشاهی بهرام چهارم (۳۹۹-۳۸۸ م) آغاز به کار کرد، در حالی که در اسپانور (شهری دیگر از شهرهای هفت گانه مداین در شرق دجله که برخی از جغرافی نویسان دوره اسلامی آن را اسپانبر نوشته اند، نک: یاقوت، ۲۲۷/۱؛ یعقوبی، ۳۲۱) نیز چنین کارگاهی دایر بود. در زمان پادشاهی پیروز (۴۵۹-۴۸۳ م) کارگاه به اردشیر از نظر شمار سکه و نیز تنوع آنها، از اسپانور پیش افتاد. شاید این پیشرفت، نشانه برتری کوششهای بازرگانی این شهر بر اسپانور باشد. در این کارگاه، علاوه بر سکه های سیمین (درهم)، سکه های زرین (دینار) نیز ضرب می شد (درباره سکه های ضرب شده در به اردشیر، نک: مشیری، 267-282 II). با آنکه مدتی از اهمیت این کارگاه کاسته گردید، ولی به نظر می رسد در آغاز دوره اسلامی فعال تر شد، زیرا سکه های عرب - ساسانی ضرب شده در این کارگاه، فراوان دیده می شود (همو، II/266).

فاصله به اردشیر و دیگر شهرهای مداین در باختر دجله را باغها و کشتزارها پوشانیده بود (محمدی، ۲۷۳/۲) و این باغها و کشتزارها به وسیله «نهر ملک» (از شاخه های فرات) آبیاری می شد (یعقوبی، همانجا). به اردشیر شهری بازرگانی، صنعتی و نیز مرکز اداری سرزمینهای ایرانی در غرب دجله بود (EI², V/945) که کوچه های سنگ فرش و بازارهای بزرگ داشت و در کنار خانه های آن جایی ویژه چارباغان ساخته بودند. بازرگانان یهودی و دیگر سوداگران دستفروش از شهروندان فعال شهر محسوب می شدند و مردم آن در نتیجه رونق تجارت ثروتمند بودند، چندان که زنجیرها و بازوبندهای زرین نزد آنها ارزشی نداشت (کریستن سن، 382، 383). به اردشیر از مراکز مسیحیان ایران به شمار می رفت (همانجا) و

MADDE KATILANLIKTA
SONRA GELER BUKUMAN

21 KASIM 2009

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد نهم، تهران، ۱۳۸۳.

بهارستان و شهرت آن

شمع شو، شمع، که خود را سوزی تا به آن بزم کسان افریزی
ابر شو، تا که چو باران ریزی بر گل و خس همه یکسان ریزی
عبدالرحمن جامی

نورالدین عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸ هـ) ادیبی است که تمام آثار خود را به نفع سرد مبه وجود آورده است. او در این آثار که ماهرانه و هنرستانه ولی ساده و عام فهم نگاشته شده، افکار حکیمانه ادبیات پنج صد ساله در پی را خلاصه نموده و به وسیله تصویر و قر سیم عشق پاک یوسف و زلیخا، لیلی و سجنون، سلمان و اسال، اشتر و حیدر، عدالت پروری انوشیروان، خریدنند بی بز رگ میر و افلاطون، دانش اندیشی اسکندر آیدالی، انسان پروری و وطن دوستی و رفاقت و برادران راترنم میکند، عدل و انصاف، دانش و خرد، زحمت کشی و آسایش و نیکوکاری را ترغیب مینماید. بیست هفتی وقت پروری، دروغ گوئی و فریبگری را مورد انتقاد قرار میدهد و خلاصه بد آدنها طرز آد بیت را بی آسوزاند.

درین این آثار بزرگ «بهارستان» (۱) مقام مهمی دارد. مولف آن را به سال ۱۳۸۷ (۱۳۸۲ هـ) در مدت چند ماه به پروری از شیوه «گلستان» شیخ صالح الدین سعدی شیرازی (سالها لیفش ۱۲۰۸ میلادی) (۱-۲-۳ هـ) نگاشته است. از این روی «بهارستان» هم مانند «گلستان» مشتمل بر دینیاچه و خاتمه و هشت باب است ولی بابهای «بهارستان» روضه (باغ) نامیده شده. روضه یکم، سخنان

(۱) مقدمه «بهارستان»، اعلی خان افصح زاده، شور و دوشنبه، تاجیکستان شوروی نشریات عرفان ۱۹۶۶. این مقدمه از لهجه و الفبای تاجیکی به لهجه و الفبای دری گزارش یافته است.

سین «بهارستان» از روی نسخه «کلیات عبدالرحمن جامی» به شماره ۱۳۳۱ بخش نسخه های خطی شرقی اکادمی علوم ازبکستان شوروی که در سال ۱۹۰۸ هـ - (۱۵۰۲ م) در شهر هرات به دست محمد بن حسن شاه الکاتب الهروی کتابت شده به طبع رسیده و بعضی اغلاط آن نسخه، از روی نسخه خطی «بهارستان» به شماره ۶ م بخش نسخه های خطی «شعبه شرق شناسی و آثار ادبی» اکادمی علوم تاجیکستان شوروی و دو نسخه چاپی «بهارستان» باستانبول ۱۸۶۸ و کانپور ۱۹۰۷ تصحیح شده است. مصحح معنای لغات و عبارات مشکل را در آخر کتاب آورده، روضه های ۲، ۳ و ۴ را با حذف بعضی کلمه ها و جمله ها و روضه های ۱، ۳، ۴ و ۶ را به صورت منتخب چاپ کرده و گفته است: «از بس که نشر ما کمتر عامی دارد از آوردن فرق نسخه های گوناگون خودداری کرده شد. م. ن. نگهت سیدی

MAADUF TAYINLANDIQTAR
SONRA GELEN DOKÜMAN

Derigi / Kitabi
Kutubxona da Movozila

172 EKIM 1993

۱۲ - ایضا ص (۳)

۱۳ - ایضا

۱۴ - ایضا ص (۳-۳)

۱۵ - ایضا ص (۴)

۱۶ - جیروم ویزنر، همان اثر ص (۳۲)

۱۷ - اخبار ایالات متحده و راپور جهان (۲۷ سپتمبر ۱۹۶۵ ص (۸۳)

۱۸ - مهالا نویس همان اثر ص (۷)

۱۹ - علم و تکنالوجی در انکشاف آسیا، یونسکو ۱۹۷۰ ص (۲۱۶)

۲۰ - گوناگردال، در اسامی آسیا: تحقیقی در باب فقر ملل، جلد دوم طبع اول منتشره پانسیون یک شعبه شرکت نشراتی (راندم هوز) نیویارک ۱۹۶۸ ص (۱۲۰۳)

۲۱ - ایضا

۲۲ - ایضا ص (۱۲۵۳)

۲۳ - یونسکو کورائیکل، اگست - سپتمبر (۱۹۵۹) ص (۲۵)

۲۴ - جولیس ستراتون «خطابه در موقع توزیع دیپلومه ها» ۱۲ جون ۱۹۶۴ داد پلس

(سجله) خزان ۱۹۶۴ ص (۱۲۴۳)

۲۵ - نقل قول شده توسط کلارک کر در کتاب موارد استعمال، پوهنتون ز نشریات پوهنتون

هارورد کاسبرج ماساچو سیتس ۱۹۶۴ ص (۴)

۲۶ - تایم، مجله ۲۰ می ۱۹۷۴ ص (۲۱)

۲۷ - صدای اسریکا (۲) اکتوبر ۱۹۶۷.

۲۸ - محصلان آسیایی (نشریه) اپریل ۱۹۶۸، ص (۱)

۲۹ - سخن (مجله): وضع تحقیقات علمی در ایران: شاپور راسخ

۳۰ - علم و تکنالوجی در انکشاف آسیا، یونسکو ۱۹۷۰ ص (۴۵-۶)

۳۱ - مهالانوویس همان اثر ص (۵)

۳۲ - نیویارک تایمز، یکشنبه نومبر ۳، ۱۹۶۸، ص (۱۳-۵)

بهارستان (۱)

۷۰۵

شماره ۵۲۶۴/ت ۱۰۶هـ، مورخ ۱۳۷۰ ر ۳۲۹ (۱۳۷۰) جهت اجرا به بانک مرکزی جمهوری اسلام ایران ابلاغ گردید. بدینسان، در دومین سال رحلت رهبر کبیر انقلاب اسلامی، تنها طرح سکه یک بهار آزادی تغییر کرد و از آن پس (۱۳۷۰ ش به بعد) سکه‌ها بر اساس آن مصوبه ضرب می‌شود.

معمولاً در هر سال، انواع مسکوک بهار آزادی، بر اساس مجوزی که بانک مرکزی دارد، در ضربخانه این بانک تولید می‌گردد، زیرا وظیفه ضرب مسکوک طلا بنا بر تصویب شورای پول و اعتبار (جلسه مورخ ۱۲/۹/۱۳۴۰، به استناد بند (د) ماده ۴۰ قانون بانکی و پولی کشور) منحصر بر عهده بانک مرکزی ایران است. همچنین بر طبق بند (الف) ماده ۶ آیین‌نامه ورود و صدور و معاملات طلا و نقره (مصوب همان شورا در تاریخ ۲۲/۴/۱۳۷۰ ش) صدور مسکوک طلا از کشور به هر نحوی ممنوع است مگر توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

مسکوک طلای بهار آزادی، از لحاظ مشخصات، منطبق است بر قانون مسکوک طلا (مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۳۷ مجلس شورای ملی) و نیز قانون اصلاح قانون ضرب مسکوک طلا (مصوب ۲۶/۱۲/۱۳۵۴ مجلس شورای ملی، ۲۲/۲/۱۳۵۵ مجلس سنا). شکل این مسکوک بر اساس ماده دوم قانون ۱۳۳۷ ش، مدور و میزان عیار آن بر طبق ماده چهارم همان قانون عبارت است از ۹۰۰ در هزار طلای خالص و ۱۰۰ در هزار مس یا آلیاژی از نقره و مس. حد ترخص عیار آن نیز دو در هزار است. دیگر مشخصات کلی انواع سکه‌های بهار آزادی (بر اساس قوانین مذکور) به این قرار است:

مسکوک طلا	وزن به گرم (طلای خالص)	قطر به میلی‌متر	حد ترخص وزن در هزار
ربع	۱۸۳۰۵۹۵۵	۱۶	۱۰
نیم	۳۶۶۱۱۹۱	۱۹	۵
یک	۷۳۲۲۳۸۲	۲۲	۵
دو و نیم	۱۸۳۰۵۹۵۵	۳۰	۲٫۵
پنج	۳۶۶۱۱۹۱۰	۴۰	۲

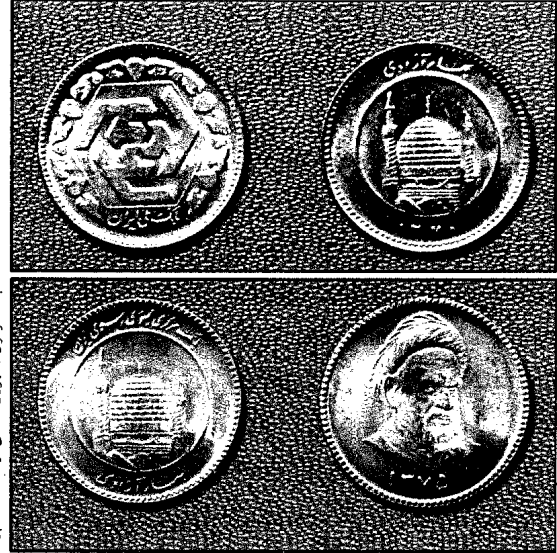
منابع در متن مقاله آمده است.

/ حاجیه خانم خاوری /

بهار دانش ← عنایت‌الله کنبو

بهار در ادبیات ← بهاریه

بهارستان (۱) (یا روضه‌الاخیار و تحفة‌الابرار)، کتابی در حکایات و اندرزهای اخلاقی به نثر ساده و مسجع آمیخته به نظم، نوشته عبدالرحمان جامی* (۸۱۷-۸۹۸هـ). مؤلف، آن را



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / شاهنامه پول

سکه بهار آزادی

حضرت علی بن ابی طالب علیه‌السلام - به سه بار تکرار «علی» به خط معقلی تزیینی در داخل یک شش ضلعی - و قید عبارت «بانک ملی ایران» در زیر آن، و بر روی دیگر آن تصویر بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام با عبارت «نخستین بهار آزادی» و تاریخ ۱۳۵۸ [ش] منقوش بود. از آن پس، انواع سکه‌های بهار آزادی (ربع، نیم، یک، دو و نیم، و پنج بهار) با همین طرح تولید می‌شد، با توجه به ماده ۵ قانون نحوه حفظ آثار و یاد حضرت امام خمینی رحمة‌الله‌علیه (مصوب ۱۴/۸/۱۳۶۸ مجلس شورای اسلامی) بانک مرکزی ایران موظف گردید که تصویر بنیانگذار جمهوری اسلامی را بر یک طرف سکه‌های بهار آزادی به گونه‌ای مناسب نقش کند. ازینرو، بنابر پیشنهاد بانک مرکزی و موافقت وزارت امور اقتصادی و دارایی (موضوع نامه ش ۸۹۹۳/۵۶/۵۳۶۸، مورخ ۱۹/۳/۱۳۷۰) و به استناد بند ۲ قانون اصلاح قانون ضرب مسکوک طلا مصوب ۱۳۳۷ ش، هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۹/۳/۱۳۷۰ (راجع به تغییر طرح سکه یک بهار آزادی) چنین تصویب کرد: «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز است به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (قدس سره) سکه یادبود یک بهار آزادی را با مشخصات ذیل و طبق نمونه‌ای که در نهاد ریاست جمهوری نگهداری می‌شود ضرب نماید: (۱) عیار طلا: ۹۰۰ در هزار؛ (۲) وزن سکه: ۱۳۵۹۸/۸ گرم؛ (۳) قطر سکه ۲۲ میلی‌متر؛ (۴) یک روی سکه مزین به تصویر حضرت امام (قدس سره) و قید سال ضرب (۱۳۷۰) در ذیل تصویر؛ (۵) یک روی سکه تصویر بارگاه حضرت امام رضا علیه‌السلام و قید عبارت «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» در بالای تصویر و عبارت «بهار آزادی» در پایین تصویر.» آنگاه مصوبه مذکور (با

MADE IN YAZMAKERTAN
SOMMAHRI
1300

به محمد تقی اعطا کرد. در انقلاب مشروطیت از راه نشر روزنامه‌های تازه بهار و نوبهار بیاری این جنبش برخاست، و پس از تبعید به تهران، در ۱۳۳۵ هـ ق چند شماره از نوبهار را انتشار داد. در ۱۳۳۶ هـ ق مجله‌ی دانشکده را منتشر ساخت، و به شناساندن ادبیات اروپائی کومک بسزائی کرد. شش دوره بوکالت مجلس برگزیده شد؛ یکبار بوزارت فرهنگ رسید (۱۳۲۵ هـ ق). بهار نه تنها بسبک خراسانی شعر میسرود، و استادانه معانی نو را در قالب شعری کهن میریخت، بلکه در فنون شعر قدیم و جدید مهارت داشت. علاوه بر تصحیح برخی از متون متقدمین (تاریخ سیستان و مجمل التواریخ و القصص) و دیوان شعر و نشریه‌های سابق الذکر، کتاب سبک‌شناسی (سه جلد) و تاریخ احزاب سیاسی از آثار اوست.

بهارانچی (bahārānci)، ده (ج ۱۹۲، ش ۱۳۳۵ هـ ق)، دهستان (و بخش) ماریین، شهرستان اصفهان، استان دهم (اصفهان)؛ ۷ کیلومتری ش سده. **بهار دانش**، داستانی عشقی، بفارسی، از عنایةالله گنبدو (ف ۱۵۸۲ هـ ق). در ۱۵۶۱ هـ ق تألیف شده، و موضوع آن معاشقه‌ی جهاندار سلطان و بهره‌ور (به‌رور) بانو است، و بر اساس حکایات قدیم هندی نبوده، و مؤلف مطالب آنرا از یک جوان برهمنی شنیده. محمد صالح گنبدو، برادر و شاگرد مؤلف، مقدمه‌ای بر آن نوشته است. انشای این کتاب متکلف و به نثر تقریباً مسجع است. در هند مکرر بطبع رسیده. بهار دانش به انگلیسی و آلمانی و فرانسوی ترجمه شده، و حسنعلی عزت در زمان تیپو صاحب آنرا برشته‌ی نظم کشیده است.

بهارستان (bahārestān)، کتابی ادبی و تاریخی، از عبدالرحمان جامی (۸۱۷-۸۹۸ هـ ق)، که آنرا روضة الاخبار و تحفة الابرار هم می‌نامند. جامی این کتاب را برای پسر خود ضیاءالدین یوسف و بنام سلطان حسین بن یوسف در ۸۹۲ هـ ق بتقلید گلستان تصنیف کرده است، و مانند گلستان که هشت باب است، به هشت روضه تقسیم نموده، روضه‌ی اول در حکایاتی از اولیاء الله و بزرگان صوفیه؛ روضه‌ی دوم در سخنان حکما؛ روضه‌ی سوم در عدالت سلاطین؛ روضه‌ی چهارم در سخا و کرم؛ روضه‌ی پنجم در تقریر حالت عشق؛ روضه‌ی ششم در نوادر و مطایبات؛ روضه‌ی هفتم در احوال شعرا (بیان جزئیاتی است از احوال ۳۶ شاعر باختصار)؛ روضه‌ی هشتم در حکایات و امثال حیوانات. بهارستان به نثری است مسجع و متکلف و آمیخته بنظم، ظاهراً اول بار در ۱۲۵۲ هـ ق، با ترجمه و شرح ترکی، در استانبول، و سپس با ترجمه‌ی آلمانی در ۱۸۴۶ در وین، و سپس مکرر در استانبول و هند و تهران منتشر شده است، و به انگلیسی (طبع ۱۸۸۷) و فرانسوی نیز ترجمه گردیده، و ملخص آن با ترجمه‌ی روسی در ۱۹۳۵ در مسکو بطبع رسیده.

بهار شیروانی، شهرت **میرزا نصرالله**، ۱۲۴۷-۱۳۰۰ هـ ق، شاعر ایرانی؛ مت شیروان. در جوانی به هندوستان رفت. پس از مراجعت به ایران، در اصفهان با صدرالشعرا، در تبریز با ادیب ناصر دیلمی، و در مشهد با صبوری ملک‌الشعرا (پدر ملک‌الشعرا بهار) دوستی و آمیزش داشت.

سرانجام منشی قنصلگری فرانسه در تبریز شد. کتابی در لغت فرانسه بفارسی تألیف کرد. بهار بسبک خراسانی شعر میسرود؛ دیوانی بترکی و فارسی و دو مثنوی بنامهای تحفة المراقین و نرگس و گل دارد.

بهار عجم، لغتنامه‌ای فارسی بفارسی، از بهار (یکی از فضلالی هندی در قرن ۱۲ هـ ق). این کتاب مشتمل است بر کلمات فارسی و کلمات عربی و اصطلاحاتی که در زبان فارسی بکار می‌رود. تألف، آن ۲۵ سال طول کشیده است، و در ۱۱۸۲ هـ ق پایان رسیده، و بر حسب حروف تهجی مرتب گردیده است، و حرف اول را باب و حرف دوم را فصل می‌گوید (مثلاً حصار در باب حاء و در فصل صاد است). در هند مکرر بطبع رسیده است.

بهارلو (bahārlo)، نام یکی از طوایف ترک در ایران. نام بهارلو ظاهراً مرتباً با شهر بهار شهرستان همدان است. سلیمان‌شاه ایوانی ظاهراً در قلعه‌ی بهار مقرر داشت، و بعداً بعلمت نامعلومی به بغداد رفت. سلسله‌ی قرا قویندو از طایفه‌ی بهارلو بودند. بقایای بهارلو در ایران جنوبی متفرقتند؛ از جمله ایل **بهارلو** (۸۰۰۰ خانوار) از ایلات خمسه‌ی فارس می‌باشد.

بهاری (bahāri)، از زبانهای هندواروپائی، شعبه‌ی هندی (هندی، زبان). نیز - زبان، جدول. **بهاریه** (bahāriyye). ۱- اشعاری که در وصف بهار و آنچه مناسب آن است باشد. این گونه اشعار بیشتر در تشبیب قصاید (- تعزل و تشبیب؛ قصیده) آورده میشود. ۲- توسعاً، هر قصیده که تشبیب آن در وصف بهار باشد.

بهاریه یا **مثنوی پیر و جوان**، مثنوی ادبی و اخلاقی، از میرزا نصیر اصفهانی (ف ۱۱۹۱ هـ ق). در تهران مکرر بطبع رسیده است.

بهاسکر (bhāskara) یا **بهاسکر اچاریا** (bhāskara-akṣariya) (karācārya) [= بهاسکر ی دانا]، ۱۱۱۴-۱۱۸۵، ریاضیدان و منجم هندی. معروفترین اثرش سدھانتشیرومنی (seddhāntaśiromeni) است که یکی از آثار بزرگ قدیم هندی در ریاضیات میباشد، و دو قسمت اول آن در ریاضیات و دو قسمت اخیر در نجوم است. قسمت اول، بنام لیلادتی (lilāvati)، مشتمل بر حساب و مساحات میباشد، و آنرا فیضی بامر اکبر شاه بزرگ فارسی ترجمه کرده است (۱۵۸۷؛ چاپ کلکته، ۱۸۲۸).

بهافرید (behāfarid)، ف ۱۳۱ هـ ق، رئیس فرقه‌ی معروف به بهافریدیه و مدعی نبوت که در اواخر عهد بنی امیه در خواف نیشابور پدید آمد، و بامر ابومسلم خراسانی کشته شد. بهافرید پسر ماء فروردین و از اهل زوزن بود، و گویند یک چند به چین رفت، و بعد از هفت سال بازگشت، و در خواف بدعوی پیغمبری برخاست، و چون نبوت زردشت را تصدیق داشت، عده‌ای از مجوس خراسان بدو گرویدند، و او کتابی بزبان فارسی برای پیروان خود آورد. خلاصه‌ای از تعالیم و عقاید او را که در واقع اصلاح و تجدید نظری در دیانت زرتشت بوده است ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه آورده است. گویند موبدان و هیربدان خراسان در نیشابور از او به ابومسلم شکایت بردند که او دین اسلام و مجوسیت هر دو را تباه کرده

است، و ابومسلم او را بکشت. قولی هم هست که او قبول اسلام کرد و سپس مرتد شد و بهمین سبب بقتل رسید.

به آفرید، در داستانهای ملی؛ - به آفرین. **بهافریدیه** (behāfaridiyye)، فرقه‌ای از مجوس، منسوب به بهافرید. آیین و مذهب این فرقه در واقع اصلاح و تجدید نظری در دین زرتشت بوده است. نویسندگان کتب ملل و نحل این فرقه را یکی از چهار فرقه‌ی مجوس شمرده‌اند. بهافریدیه ظاهراً تا زمان ابوریحان بیرونی وجود داشته‌اند، و معتقد و منتظر بازگشت بهافرید به عالم بوده‌اند. چون آیین این جماعت در واقع بدعت تازه‌ای در دیانت مجوس بوده است، بعقیده‌ی علمای اسلام قبول جزیه از آنها ممکن و روا نبوده است، و ظاهراً سبب عمده‌ی از بین رفتن آن فرقه نیز همین نکته بوده است.

به آفرین (behāfarin) یا **به آفرید**، نام خواهر اسفندیار که به چنگ ارجاسپ پادشاه توران افتاد، و در روین دژ مجوس شد، و سرانجام برادرش اسفندیار او و خواهر دیگرش هما را از آن زندان رهایی داد.

بهاگاواد-گیتا (bhāgāvād gītā)، اشعاری فلسفی، بزبان سانسکریت، که جزئی از مهابهاراتا، و متضمن تعالیم فلسفی کریشنا و فلسفه‌ی ودانت است. تألیف آنرا از قرن ۴م ق م دانسته‌اند. شش ترجمه‌ی فارسی از آن موجود است؛ از جمله ترجمه‌ی فیضی (اولین ترجمه‌ی فارسی) و ترجمه‌ی شوشتری است.

بهام (behām) یا **بهم** (behem) یا **بهام** (pehām)، نام دو تن حکاک و نقاش آلمانی که از معروفترین افراد گروه حکاکان معروف به "استادان کوچک" بشمارند. هر دو برادر بسال ۱۵۲۵، بجرم آزاداندیشی از نورنبرگ تبعید شدند. **هانس زبالد بهام** (hāns zebald)، ۱۵۰۰-۱۵۵۰، شاگرد دورر بود. کنده‌کاریهای بر چوب و مس، که عده‌ی آنها به ۱۴۲۵۰ میرسد، از نقاشیهای وی بمراتب پرارج‌تر است. بهترین کارهایش (از جمله عروسی در روستا) نمودار زندگی مردم زمان اوست. **پارتل بهام** (bārtel)، ۱۵۰۲-۴۰، نقاش ویلهلم دوک باواریا بود. دوک او را به ایتالیا فرستاد. وی در آنجا تصویرهای بسیار کشید، که از آن جمله سلیب بر دوش مسیح از همه معروفتر است. اما شهرت وی نیز بیشتر بسبب کنده‌کاریهای او (از جمله مریم عنبرا بر پنجره) میباشد.

بهاولپور (bahāvalpur)، شهر (ج ۶۰'۰۰۰)، پاکستان غربی، نزدیک ساحل چپ رود ساتلج، ۸۰۰ کیلومتری ل کراچی. در ۱۷۴۸ بتوسط محمد بهاول خان تأسیس شد. کرسی کشور سابق **بهاولپور** بود. بر طبق آمار ۱۹۴۱، دارای ۱'۳۴۱'۲۵۹ تن جمعیت بود، که اکثریت آنرا مسلمانان (جاتها، راجپوتها، و بلوچها) تشکیل میدادند. در ۱۹۵۵، کشور بهاولپور جزء بخش بهاولپور از پاکستان غربی گردید.

بهاوه، **آکهاریا وینوبها** (ākhāriā vinobhā) (bhāve)، ۱۸۹۵-، فیلسوف هندی، مصلح اجتماعی، و عالم سانسکریت. از نزدیکان گاندی بود. نهضت بهودان (bhudān) [= زمین‌بخشی]

vurgunun çıkış sebebi ise *insanın psikolojisi*dir, yani bir nevi kişinin kendi tercihidir de diyebiliriz. Buradan anlaşılıyor ki araştırmacılar, dikkatlerini yoğunlaştırdıkları yere göre madde başlığını belirlemişler.

Psikolojik sebeplere bağlı uzunluklar, kelimenin Türkçe asıllı ya da alıntı olmasıyla ilişkili değildir. Bu tür uzunluklar, daha önce de belirttiğimiz gibi konuşan kişinin psikolojisine bağlıdır: *eyidir, orada, ah, āha* vb.

İkinci bir sorun olarak da uzun ünlü nün oluşumunda, vurgu ve tonlama ikilisinin nasıl ve ne oranda etkili olduğudur. Bilindiği gibi, vurgu ve tonlamanın ortak paydası kelimedir. Vurgu kelimedeki bir hece üzerinde oluşurken, tonlama kelimenin bütününe yayılır. Türkçede kelime vurgusu çoğu zaman son heceye düştüğünden, kelimedeki yükselen tonun da son heceye isabet ettiği durumlarda vurgu ve ton kaynaşması yaşanır. Bu da tabii olarak bir uzunluk ortaya çıkarır: *o'nün. al'sin* vb.²⁴

Bu madde bağlamında değerlendirebileceğimiz, soru eki kullanılmadan vurgu ile yapılan soru cümlelerinde, doğal olarak vurgu son heceye kaymakta ve son hece ünlüsünü uzatmaktadır: *ka'lı* (kalır mısın?), *gidi'yōñ* (gidiyor musun?) vb.²⁵

Sonuç:

Türkiye Türkçesinde uzun ünlülerde vurgu yukarıda yaptığımız tasnife bağlı olarak, uzunluğunu kaybetmemiş birincil uzun ünlülerde yörelere göre hem vurgulu hem de vurgusuz olurken uzunluğunu kaybetmiş kelimelerde, Türkçe'nin doğal yapısına uyarak son heceye kaymıştır.

Alıntı kelimelerde ise, uzunluğu koruyan hecelerde bir vurgu beklenmesine karşın bünyesinde birden fazla uzun ünlü barındıran kelimelerin durumu açık değildir. Uzunluğunu kaybetmiş kelimelerdeki vurgu da, birincil uzun ünlülerde olduğu gibi son heceye yönelmiştir.

İkincil uzun ünlülerde; ses olaylarına bağlı olarak oluşan uzun ünlüde vurgu olabileceği kuvvetli bir olasılık olmasına karşın, vurgu –daha çok- değişik ses olaylarına ve hecenin konumuna bağlıdır. Psikolojik sebeplere bağlı uzun ünlülerde ise, ünlüleme dayalı olanlarda ilk ve son hecede, soruya yönelik olanlarda ise son hecede bulunmaktadır.



²⁴ Bkz. Z. Korkmaz, *BYA*, s. 11; Z. Korkmaz, *GBAA*, s. 53.

²⁵ Krş. S. Özçelik, *UMA*, s. 124; S. Özçelik-E. Boz, *ÇÇYA*, s. 94; A. Günşen, *KYA*, s. 26.

D. 1445

BİYOGRAFİK BİLGİ VE ŞİİR ELEŞTİRİSİ AÇISINDAN “BAHARİSTÂN”

Yusuf ÇETİNDAG

Biographical Data and Poetry Criticism Through “Baharistan”

Baharistan, which the original name is *Ravzatu'l-Ahyâr ve Tuhfetü'l-Ebrâr*, consists of an introduction, eight parts, and a conclusion. In these eight parts the main subjects are the views, ideas and writings of famous sophists; the attributes of justice, moderation which must belong to the administrators; generosity and the manners of generous people; love and the characteristics of lovers; anecdotes; poems and poets; stories told by animals (fables) and the lessons to be taken from them. The most significant part of Baharistan, in fact, the seventh part “yedinci ravza” in which the poets are mentioned. In this part, cami writes the biographies of 39 of previous poets. This article mostly focuses on this part. This part is evaluated in terms of tezkerecilik tradition and it is examined in terms of biographic knowledge and poem critiques.

Keywords: Molla Câmî, Baharistan, The Tradition of Tezkerecilik, Biographic Knowledge, Critique of Poem

Molla Câmî'nin, 892/1478 târihinde Sadî'nin *Gülîstân*'ını örnek alarak yazdığı *Baharîstân*; tertip ve üslup bakımından *Gülîstân*'a benzese de muhteva bakımından farklılıklar gösterir.¹ Asıl adı *Ravzatu'l-Ahyâr ve Tuhfetü'l-Ebrâr* olan *Baharîstân*; bir mukaddime, sekiz bölüm(ravza) ve bir hatimeden meydana gelir. Câmî'ye göre *Baharîstân* sekiz bölümüyle; her bahçesinde gelinciklerden, reyhanlardan, başka bir koku olan sekiz cennete benzemektedir.² Her bölümün başında konu tarif edildikten sonra bölümün özelliğine göre bu konular “hikâyet”,

• Dr., Fatih Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi.

¹ Ali Asgar Hikmet, *Câmî*, (İstanbul, 1991), s. 328.

² Makalede parantez içinde sayfa numaraları verilen alıntıların Farsça orijinalleri. “Baharistan. Süleymaniye Kütüphanesi, İzmirli İsmail Hakkı Bölümü. 3171” nolu matbu eserden yapılırken: sadece tercüme verilen alıntılar “Câmî, *Baharistan*, çev. Nuri Gençosman, MEB, Ankara, 1945, 7.” künyeli eserden yapılmıştır.

30 EYLÜL 2003

هشتم در حکایات و امثال حیوانات. بهارستان آمیخته‌ای از نظم و نثر است، اما بخش منظوم آن اندکی بیشتر است. با این همه جامی نتوانسته است به شیوایی الگوی اصلی خود نزدیک شود و بیشتر دچار سجع‌های مصنوعی و جملات متکلف گردیده است. امتیاز بهارستان در فصل مطایبات آن است و قدرت طنز و شوخی جامی را نشان می‌دهد. بخشی نیز که به شرح احوال شعرا می‌پردازد، به‌ویژه دربارهٔ آنان که هم‌روزگار یا نزدیک به‌روزگار جامی بوده‌اند، سودمندی‌های تاریخی و ادبی دارد. در پایان بهارستان، جامی در مقاله‌ای از طول کلام پوزش می‌خواهد و به پیروی از سعدی به این نکته اشاره می‌کند که اشعار و منظومات این کتاب همه از او است و از دیگران برگرفته نشده است. بهارستان نخستین بار در ۱۲۵۲ق با ترجمه و شرح ترکی در استانبول و پس از آن با ترجمه آلمانی در ۱۸۴۶م در وین و سپس بارها به چاپ رسیده است. این اثر به انگلیسی و فرانسوی نیز ترجمه شده و خلاصهٔ آن با ترجمه روسی در ۱۹۳۵م در مسکو به چاپ رسیده است. این کتاب به تصحیح اسماعیل حاکمی نیز در ایران به چاپ رسیده است (۱۳۶۷ش).

منابع: بهارستان، چاپ حاکمی؛ تاریخ ادبیات در ایران، ۴/۱۵۱؛
تاریخ نظم و نثر در ایران، ۱/۲۸۷، ۶۱۱؛ دایرة‌المعارف آریانا،
۳/۵۱۴؛ جامی، ۲۰۳-۲۰۵؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، ۱/۸۰۴؛
ض.س، «بهارستان»، پیام نوین، دورهٔ یازدهم، شمارهٔ ۲، ۱۳۵۴ش،
صص ۶۸-۶۹.

دانشنامه

(۶۰۷ق) دیدار کرد. بعد از مهاجرت هم به موجب روایات، با شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی (۶۳۲ق) در بغداد فراهم نشست. همچنین محی‌الدین عربی (۶۳۸ق) را در دمشق دید. تنها اثر بهاء‌ولد که پسرش مولانا جلال‌الدین از آن به فواید والد نیز تعبیر کرده است، معارف* است و برخلاف مشهور، متضمن مجالس و مواعظ او نیست. این کتاب شامل یادداشت‌ها احلام، اوهام، اندیشه‌ها و آرزوهای او است. معارف به زبان ساده و روان نوشته شده است و صفحه‌ای از آن نیست که بهاء‌ولد در آن به ذکر آیه یا حدیثی نپرداخته و آن را تأویل عرفانی نکرده باشد. مطالب با نثری شیرین و روان بیان شده و منشأ بسیاری از اندیشه‌های مولانا جلال‌الدین در مثنوی* را می‌توان در آن جست. این کتاب نخستین بار به اهتمام بدیع‌الزمان فروزانفر به چاپ رسیده است (تهران، ۱۳۳۳ش).

منابع: پله پله تا ملاقات خدا، ۷۷-۱۵؛ تاریخ ادبیات در ایران، (۱)۳/۴۸۶-۴۴۸؛ رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد، بدیع‌الزمان فروزانفر، ۶-۱۹؛ سرنی، ۶۷-۹۴؛ گزیدهٔ غزلیات شمس، به کوشش دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، مقدمه؛ معارف، مقدمه؛ مناقب العارفين، ۵۵-۷؛ مولانا جلال‌الدین، زندگانی، فلسفه، آثار و گزیده‌ای از آنها، عبدالباقی گولپینارلی، ۷۱-۸۵؛ مولانای بلخی و پدرش، محبوب سراج.

مژده‌ی

بهار افغانی ← سکینه الفضاء

بهای جان (ba.hā.i.jān)، سید بهاء‌الدین فرزند محمدیارخان، ۱۳۱۳ق - ۱۳۹۳ق / ۱۳۵۱ش شاعر افغانستانی. علوم متداول روزگارش را در غزنه و کابل فراگرفت. وی از شاعران بنام پشتو بود و به پارسی و عربی نیز شعر می‌سرود و در سروده‌هایش جان تخلص می‌کرد. او در طریقت پیرو سلسلهٔ نقشبندیه بود. بهایی جان شاعری صاحب‌دیوان است و مجموعهٔ شعرهای پارسی و پشتو خود را در یازده دفتر گردآوری کرده که سه دفتر از این مجموعه به پارسی است. او شعرهایش را در قالب‌های گوناگون سروده، اما غزل‌های عاشقانه‌اش نام او را در کشور بلندآوازه ساخته است. از جمله آثارش می‌توان به کلیات، جزئیات، چارده معصوم و چلتارمدینه اشاره کرد. دیوان او به شمارهٔ ۵۷ در آرشیو ملی افغانستان نگهداری می‌شد.

منابع: پوتاووس، ۱۶۵-۱۶۶؛ رشد زبان و ادب دری در گستره

بهارستان (ba.hā.res.tān) / روضه‌الاحیاء / تحفة‌الابرار، کتابی ادبی و تاریخی از نورالدین عبدالرحمان جامی*. جامی این کتاب را در ۸۹۲ق برای فرزندش، ضیاء‌الدین یوسف، هنگامی که ده‌ساله بود و مقدمات کلام عرب و فنون ادبی را می‌آموخت، به پیروی از گلستان سعدی و به نام سلطان حسین بایقرا (۸۷۳ - ۹۱۱ق) تألیف کرد. از آن‌جا که کتاب درسی فرزند جامی در مکتب‌خانه گلستان بود و او بیشتر با این کتاب سروکار داشت، جامی نیز به خیال می‌افتد تا «جزوی چند بر آن اسلوب» بپردازد. بهارستان نیز مانند گلستان، که هشت باب دارد، شامل هشت روضه است: روضهٔ یکم در حکایاتی از اولیاء‌الله و بزرگان صوفیه، روضهٔ دوم در سخنان حکما، روضهٔ سوم در عدالت سلاطین، روضهٔ چهارم در سخا و کرم، روضهٔ پنجم در تقریر حالات عشق، روضهٔ ششم در مطایبات، روضهٔ هفتم در احوال شعرا و روضهٔ

6

- Baharistan
- Camii. Abulrahman

ŞEHİRCİYE TAYİNİNDEN
EĞİTİM BİLİM DİREKTÖRLÜĞÜ
19 EKİM 1993



ادب

علمی، ادبی، تاریخی، فلسفی

Dergi / Kitap
Kütüphanesinde Bulunmaktadır

Kabül حوت ۱۴۰۲ شماره (۶-۵) سال بیست و یکم 5.1-26

جاسی و بهارستان از نظر هانری ماسه

هانری ماسه استاد شعبه زبان دری پوهنتون سوربون، عضو اکادمی فرانسه از خدستگاران نامدار زبان دری بود و آثار زیاد و ستون ارزشمند این زبان را بزبان فرانسوی ترجمه، طبع و نشر نمود و از آن جمله «بهارستان» دانشمند پیراج کشور ما مولینا عبدالرحمان جاسی را نیز در سال ۱۹۲۵ ترجمه و نشر نمود. وی در آن مقدمه بی شبوا درباره «جاسی» نوشته است که خواندن آنرا برای ادب دوستان بی فایده نمی بینم، اینک آنرا ترجمه و تقدیم میکنم:

بهارستان جاسی از همان دسته آثاری است که نظم و نثر را با هم آمیخته است، و سونقان این دسته آثار کم و بیش از «گلستان» معروف تألیف سعدی (رح) - در سال ۱۲۵۸ ع - پیروی نموده اند. مشهورترین این آثار علاوه بر «بهارستان» کتاب «روضه الخلد» مولانا مجد، و کتاب عاشقان، یعنی «روضه الاحباب» سائلی (۱۵۱۸ ع)، و نگارستان است که در هفت فصل در سال ۱۳۳۵ م توسط معین الدین جوینی با تمام رسید است. نگارستان در هشت فصل در سال ۱۳۳۲ م توسط شمس الدین احمد بن - لیمان کمال پا شازاده (متوفی در سال ۱۵۳۳ م) تکمیل و به ابراهیم پاشا وزیر سلطان عثمانی سلیمان اول اهدا گردید، این اثر دارای اسلوب دانشمندانه و متکلف است که با ایراد کلمات (بازی با کلمات) و استثنای د از دیگران خصوصاً به استاد گلستان - مدی، انشاء گردیده است، و بالاخره کتاب «پریشان» قا آئی یکی از شعرای زبده زبان دری در قرن نوزدهم میباشد که در سال ۱۸۵۳ م در تهران دنیا را پدید آورد.

نثرنویسان بزرگ قرن پنجم و ششم رسیده و بر اثر آنان گام نهاده است. در کتاب بهارستان که آنرا باقتضای شیخ سعدی شیرازی ترتیب داده، اگرچه سعی داشته است که بنثر موزون مسجع سخنوری کند لیکن همه جا سادگی و رهایی سخن از قیود برکشش او بجانب تصنع غلبه دارد. ازین گذشته جامی از نثر برای بیان مقاصد گوناگون خود، از تفنن های ادبی گرفته تا موضوعات علمی استفاده برده و در همه این موارد لوازم و شرایط کار را رعایت کرده است.

تاریخ ادبیات در ایران

از پایان قرن هشتم تا اوایل
قرن دهم هجری

تألیف: دکتر ذبیح الله صفا

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kayıt No :	8872-5
Tasnif No. :	891.509 SAF.T



تهران - ۱۳۶۳

از مهمترین آثار ادبی او کتاب «بهارستان» است که جامی قسمتی از آن را به پیروی از گلستان سعدی نوشته ولی مسلم است که قصد او در این کار ساده تر کردن انشاء متذوقانه سعدی در شاهکارش بود و یا او نمی توانست شیوه استادانه نویسنده افسونکار شیرازی را چنانکه باید دنبال کند و بهمین سبب انشاء بهارستان، حتی در آن قسمت که رنگ ادبی آن بیشتر است، بیش از آنچه انتظار می رود متمایل بسادگی است و شاید یکی از علل این تمایل اختصاص کتاب به تعلیم فرزند نوآموز مصنف بود. بهارستان در هشت روضه، مقدمه و خاتمه ترتیب یافته است. روضه نخستین در ذکر حکایات است درباره مشایخ صوفیه و بعضی از اسرار احوال آنان؛ و روضه دوم متضمن حکم و مواعظ و مشتمل بر چند «حکمت» و حکایات مناسب مقام؛ و روضه سوم درباره اسرار حکومت و ذکر حکایاتی از شاهان؛ و روضه چهارم در باره بخشش و بخشندگان؛ و روضه پنجم در تقریر حال عشق و عاشقان؛ و روضه ششم حاوی مطایبات و لطایف و ظرایف؛ و روضه هفتم در شعر و بیان احوال شاعران؛ و روضه هشتم در حکایاتی چند از زبان احوال جانوران. جامی در آغاز کتاب گفته است که چون فرزندش ضیاء الدین یوسف بآموختن فنون ادب اشتغال داشت این کتاب را برای وی فراهم آورد و آنرا بر اسلوب گلستان نوشت و آنرا بنام سلطان حسین میرزای بایقرا موشح ساخت. با آنکه جامی روضه هفتم از کتاب خود را که در شرح حال گروهی از شاعران برگزیده فارسی تا عهد اوست، باختصار تمام پرداخته است لیکن همان اشارات کوتاه که در این روضه آورده حاوی نکات سودمند است که در تحقیق احوال شاعران میتواند